



موضوع انشا:

برنامه ریزی شما برای سال جدید چیست؟

شاگرد ریاض اول: رشته ای بر گردنم افکنده دوست، می کشد هر جا که خاطر خواه اوست

سال جدید و رسیدن بهار را خدمت آقای جباری تبریک می گویم. آقای جباری خودش شکوفه گیلاس است، خودش بهار است اصلاً. حالا بگیریم چند نفری اخمپایش را به زمستان تشبیه کنند ولی من که می دانم چه نوبهاری در دستان ایشان است.

سال جدید را هم من با آرزوی سلامتی برای آقای جباری و همچنین تمیز کردن نیمکت ردیف اولم، شروع می کنم و تمام سال جدید را سعی می کنم تا از آقای جباری درس زندگی یاد بگیرم. اولین درسی که یاد می گیرم همین است که خدا را بخاطر تمام آلودگی ها، راه بندان ها و برفهایی که باعث تعطیلی مدارس می شود شکر کنم و فقط حواسم به این باشد که بتوانم بیشتر از ساعت ۷ بخوابم. همچنین برنامه من برای سال آینده بهتر کردن نمره زبان و ریاضی ام است که نمره زبان را با زبان ریزی هایی که برای آقای جباری می کنم می توانم تامین کنم ولی برای بیست گرفتن در درس ریاضی باید یک حساب دو دوتا چهار تایی هم راه بندم و یک عیدی حسابی برای معلم زحمت کش تمام فصل ها بگیرم.

گویا امسال سال سگ است و من به پاس قدردرانی برای اخلاق آقای جباری، برای او یک عروسک سگ هدیه آورده ام تا بداند من در سگی ترین سال تحصیلی هم کاملاً به یادش بودم.

رضا: رشته ای بر گردنم افکنده دوست، می کشد هر جا که خاطر خواه اوست

برنامه ریزی من برای آینده این است که آرزو، دختر همسایه مان را داشته باشم و برای این کار اول باید آرزوهای پدرش را برآورده کنم! مخصوصاً حالا که فصل بهار است و متناسب با حال و هوای عاشقانه اش بیشتر دلم می خواهد که برنامه ریزی ام دقیق تر باشد تا زودتر به هدفم برسم. اما خب سختی کار، همین ادعاها و آرزوهای پدر آرزوست که مثل غول چراغ جادو سر راه بخت من نشسته است و از من تقاضاهای عجیب دارد. اولین آرزوی پدرش این است که سیبیل در بیاورم! حالا نمی دانم به ریش هم تمایل دارند یا خیر، فقط می دانم که همیشه به من می گوید برو بزرگ شو. تأکید پدر آرزو بر ابعاد و اندازه باعث شده که تمام برنامه ریزی من برای سال آینده در افزایش رشدم باشد. طوریکه مثل گیاهان به خودم آبرسانی می کنم و دنبال کودی مناسب رشد هستم. البته انگار ورزش والیبال و یک سری کارهای دیگر هم افزایش دهنده هستند.

از برنامه ریزی های دیگرم برای به دست آوردن آرزو در سال آینده، پول درآوردن است که انگار این کار برنامه ریزی ندارد، یا بابای پولدار می خواهد، یا ژن خوب، یا یک اسلحه برای دزدی از بانک! این خواسته را برای این در اهداف و برنامه ریزی هایم قرار داده ام چون هم آرزوی آرزوست، هم پدرش... انگار مثلاً پول درآوردن مثل همان ریش و سیبیل درآوردن به مرور زمان اتفاق می افتد! ولی خبر ندارند که ریش و سیبیل پولداری از جنس موهای کف دست است نه سایر اعضا و جوارح بدن!

یکی دیگر از برنامه ریزی هایم برای سال آینده زدن عینک گرد و خوردن قهوه است که اگر آن ریش و سیبیل لعنتی زودتر به رشد خود ادامه دهند می توانند من را تبدیل به فردی کنند که مرد رویاهای آرزو باشم. خودم دیده ام آرزو ظهور مردمک چشمه های قلب می شود وقتی آن پسر کافه ای سر کوفه مان را می بیند که دو سال تمام است دارد کتاب "بیشعوری" را می خواند و من نمیدانم مگر چند جور بیشعور در دنیا هست که این کتاب تمام نمی شود.

یک مسئول مهم: رشته ای بر گردنم افکنده دوست، می کشد هر جا که خاطر خواه اوست! با توجه به حجم تسلیتهای سال قبل، انشای امسال را با تبریک و تسلیت خدمت جامعه و

این کلاس درسی، شروع می کنم. خب اینکه موضوع انشا در مورد برنامه ریزی است برای من خیلی عجیب است. به عنوان یک مسئول آدمم تا پاسخگوی بعضی شبهات باشم. مگر سال جدید هم برنامه می خواهد؟ همان لیست کارهای سال قبل را پرینت می گیریم با یک لاک غلط گیر. بجای ۶ در عدد ۹۶، عدد ۷ را نوشتیم و همان را ابلاغ می کنیم. برای قیمتها و نرخ سود و این چیزهای سطحی هم یک ماشین حساب میخوانیم و چند تا صفر. برنامه جدیدی هم اگر خواستیم بریزیم به یک مسئول همکار دیگر کلنگ می دهیم تا هر جایی از شهر را که خوش عکس تر می افتد، انتخاب کند و کلنگ بزند.

البته برنامه ریزی مدوتی برای تعطیلات عید هموطنان در نظر گرفته ایم و طی این برنامه قرار است اژدها وارد می شود را با دوبله ای جدید در سراسر شبکه های تلویزیونی پخش کنیم و در راستای این تفریح، قیمت تخمه ژاپنی را چند درصد کاهش داده ایم.

برای اسکان مسافران نوروزی هم تمهیداتی اندیشیده ایم، از جمله این تمهیدات می توان به اضافه کردن رنگ بنفش کم رنگ و صورتی جیغ به مجموعه رنگ بندی های آفتابه ها در دستشویی های عمومی اشاره کرد. همچنین در محل اسکان چادرهای نوروزی، چند ون گشت ارشاد قرار داده ایم، تا اگر کسی راهش را گم کرد، راه راست را به او نشان بدهیم.

در راستای افزایش نشاط بین مسافران بندر، آهنگ درخواستی «هله دان دان، هله یه دانه» را روی بلندگوهای آبادان در حال پخش گذاشتیم با این تفاوت که خواننده در ادامه اذعان می کند «یار نامهربان توطئه غریبه، یه دانه».

در حالت کلی آن چه ما از برنامه ریزی برای سال آینده در نظر داریم شامل تغییرات شگرفی در طراحی پراید است که بعد از ارائه مدل وانتی آن، با اضافه کردن دو بال در طرفین، مدل هواپیمای وطن دوز را از این ماشین میهنی به بازار عرضه می کنیم.

در راستای حمایت از گردشگری داخلی همزمان با افزایش هزینه خروج از کشور، به مسافرانی که قصد خروج از کشور را دارند، یک پس گردنی هم می زنیم و آنهایی که مقصد توریستی تایلند را دارند مستحق چند نیشگون هم از اقصی نقاط بدن، می شوند.

همچنین در جهت حمایت از تولید ملی، قیمت تخمه ژاپنی را (بجز موارد ذکر شده در بالا و پخش فیلمهای اکشن)، افزایش داده و همچنین از افزایش نرخ پسته رفسنجان به شرطی که در نوع خندان آنها مفسده ای در پیش نداشته باشد، پیشگیری می کنیم

در آخر سال ۹۷ را سالی پر از رونق برای هم میهنان آرزو می کنم. رونقی انچنان که بهانه های دستمان بدهد برای قطع کردن هزینه گزاف یارانه ها.

شاگرد ریاض آخر: بی خبر از رشته ها و گردن ها و دوستها

خب قبل از خواندن انشایم، باید اول از همه به این مطلب که چرا تیترا انشای همه یکی بود اشاره کنم! یعنی بیت "رشته ای بر گردنم افکنده دوست، می کشد هر جا که خاطر خواه اوست" برای همه پاسخگو بوده! این که بر گردن شاگرد ریاض اول و رضا رشته ای باشد و به فرمان دوست باشند آنقدرها جای تعجب ندارد، ولی از مسئول عزیز تعجب می کنم.

به هر حال، در مورد برنامه ریزی برای آینده باید بگویم که این تصمیم من به شدت به تصمیم مدیر مدرسه هم مربوط می شود، چرا که همین امروز هم که باز دیر رسیدم می خواست برای همیشه اخراجم کند ولی به عنوان عیدی به من کاری نداشت و تنبیه نشدم.

یکی از برنامه ریزی هایم این است که برای خواهرم یک پیراهن قرمز بخرم و برای مادرم یک جفت کفش. می خواهم توی فوتبال هم پیشرفت کنم ولی نمی دانم برای اینها هر کدام چقدر باید برنامه بریزم. چون خیلی چیزها مثل وعده آقای مسئول هی به تعویق می افتد و انگار نه دست ماست نه دست ایشان.